



## سخن هیئت تحریریه<sup>۱</sup>

تامین آب برای نیازهای بشر از بزرگترین چالشهایی است که به ویژه ساکنین مناطق خشک و نیمه خشک با آن مواجهاند. در این مناطق با افزایش جمعیت و روند رو به رشد توسعه کشاورزی و صنعت، سرانه آب قابل استحصال رو به کاهش می‌باشد. لذا از دیرباز به دلیل توزیع نایک‌نواخت نزولات جوی و نیز مجاورت برخی مناطق خشک و نیمه خشک با مناطق پر بارش، انتقال بین حوضه‌ای آب در قالب طرح‌هایی برای ایجاد شرایط مناسب برای توسعه موزون فعالیت‌های انسانی مطرح بوده است. طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای با رعایت حقوق ذینفعان و برای تامین نیازهای مختلف مصرف، مشروط به برخورداری از توجیهات فنی، اقتصادی-اجتماعی و زیست محیطی می‌تواند در راستای توسعه پایدار در مدیریت منابع آب ایفای نقش نماید. به دلیل پیچیده بودن این طرح‌ها به علت تعدد عوامل درگیر، تاکنون تجارب مثبت و منفی در سطح جهان گزارش شده است که لزوم جامع‌نگری در این طرح‌ها را دو چندان نموده است. در این رابطه مسائلی همانند آسیب‌های وارده به محیط زیست، نشست زمین، شوری اراضی، تغییر فرهنگ مصرف آب، کیفیت آب، در نظر گرفتن حساسیت‌های اجتماعی، توجه به نیازهای آبی هر حوضه در درازمدت، توجه مناسب به مزیت‌های نسبی هر حوضه، در نظر گرفتن مسائلی همانند خشکسالی‌های شدید و سیلابها، در نظر گرفتن مسایل اقتصادی در هر حوضه، در نظر گرفتن حقوق حقه‌داران و مقایسه همه جانبه روش‌های تامین نیاز مبنای تصمیم‌گیری خواهد بود. در راس همه موارد بیان شده، بطور سنتی مخالفت‌هایی در قبال اجرای طرح‌های انتقال آب از سوی ساکنین حوضه مبداء وجود دارد، لذا از نظر اجتماعی و فرهنگی باید اقداماتی انجام گیرد تا این اثرات در حوضه مبداء برطرف و جبران شود و حوضه مبداء به این باور برسد که با تخصیص آب برای انتقال خطری از نظر منابع آب و نیازهای منطقه ایجاد نخواهد شد. در این راستا نیاز است که با ارزیابی دقیق بیلان منابع و مصارف آب در حوضه‌های مبداء و مقصد در چارچوب اصول مدیریت یکپارچه منابع آب، اقدام به طرح‌های انتقال آب بین حوضه‌ای شود.

پیشینه اندیشه انتقال آب بین حوضه‌ای در ایران به سال ۹۹۶ خورشیدی در زمان شاه طهماسب صفوی برمی‌گردد که به دلیل خشکسالی‌های متعدد در حوضه زاینده رود و سیلابهای ویرانگر در جلگه خوزستان این فکر پدید آمد و با هدف انتقال آب از حوضه کارون به حوضه زاینده رود به صورت ترانشه روباز اقدام به حفاری در کوه کارکنان در مجاورت چلگرد شد، ولی این تلاش‌ها نافرجام ماند. نهایتاً در مجاورت همین محل در سال ۱۳۳۳ خورشیدی نخستین تونل انتقال آب بین حوضه‌های کارون و زاینده رود با آورد سالیانه حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب به بهره برداری رسید. این روند تا کنون برای انتقال آب بین مناطق پرباران شمالی و غربی و زاگرس مرکزی به مناطق خشک و نیمه خشک کشور ادامه داشته و منجر به انتقال حجم آبی معادل ۲ میلیارد متر مکعب در سال شده است. پیش‌بینی می‌گردد حجم انتقال آب در سال ۱۴۰۰ به حدود ۴ میلیارد مترمکعب (حدود ۴ درصد آب استحصالی کشور) برسد. به نظر می‌رسد با اجرایی شدن قانون استانی شدن مدیریت آب و ایجاد گسست در یکپارچگی مدیریت منابع آب در مقیاس حوضه‌های آبریز، موضوع انتقال آب بین حوضه‌ای وارد مناقشات جدیدی شده که مورد توجه مدیران سیاسی، نمایندگان مجلس، گروههای مردم نهاد و حتی عامه مردم قرار گرفته است. بنابراین در این مرحله بایستی توجه ویژه‌ای به اصول مدیریت یکپارچه و پایدار منابع آب در حوضه‌های مبداء و مقصد نمود. در این راستا هیأت تحریریه مجله تحقیقات منابع آب ایران فارغ از دیدگاه‌های قومی و منطقه‌ای و با ملاک قرار دادن منافع ملی با هدف سوق دادن مباحث مرتبط با انتقال بین حوضه‌ای آب به مجرای کارشناسی، آمادگی خود را برای دریافت و چاپ مقالات مرتبط با موضوع انتقال آب بین حوضه‌ای اعلام می‌دارد و از پژوهشگران، مدیران و کارشناسان مدیریت منابع آب دعوت بعمل می‌آورد تا دیدگاه‌ها و تجارب خود را در این زمینه در اختیار جامعه علمی کشور قرار دهند.

محمد کارآموز

سر دبیر